

## بررسی تعیین کننده های نهادی فقر روستایی با تاکید بر تعاونی های روستایی زنان در استان

فارس

کد: PD132

آشان شوشتریان\*

### چکیده:

فقر می تواند در دو زمینه فقر درآمدی و فقر غیر درآمدی مورد بررسی قرار گیرد. شرکتهای تعاونی از مهمترین نهادهای روستایی هستند که در زمینه کاهش فرصتهای از دست رفته کشاورزان تاثیر بالقوه ای بر کاهش فقر آنها دارند. در مطالعه حاضر، تعیین کننده های فقر با تاکید بر تعیین کننده نهادی تعاونی ها در دو روستای تفهیان و اسماعیل آباد در استان فارس مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور ابتدا با استفاده از برآورد یک خط فقر منطقه ای، خانوارهای فقیر و غیر فقیر مشخص شد. سپس با استفاده از یک مدل پروبیت عوامل موثر بر احتمال فقیر بودن خانوارهای مورد مطالعه بررسی گردید. عضویت در تعاونی های روستایی، استفاده از تسهیلات، اعتبارات و فروشگاههای مصرف تعاونی روستایی تعیین کننده های نهادی فقر هستند که علاوه بر سایر تعیین کننده هادر این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته اند. نتایج مطالعه نشان داد که عضویت در تعاونی های روستایی احتمال فقر خانوار را کاهش می دهند. همچنین خانوارهایی که حداقل یکی از اعضای آنها در تعاونی های روستایی زنان عضویت دارد، نسبت به سایر خانوارها با احتمال کمتری در گروه فقرا قرار خواهد گرفت. لذا توسعه و تقویت نهادهایی چون تعاونی ها و گسترش آنها در سطح اعضای خانواده می تواند بعنوان یکی از راهکارهای کاهش فقر روستایی مورد مطالعه بیشتر قرار گیرد.

**کلمات کلیدی:** فقر روستایی، تعاونی های روستایی زنان، تعیین کننده های فقر، استان فارس

در ادبیات موضوع، عدم تامین نیازهای اولیه و ضروری گروه های مختلف در جامعه منجر به فقر خواهد شد. در واقع بمنظور بررسی افراد فقیر در جامعه با استفاده از سطح درآمد یا مخارج مصرفی سرانه خانوارها و مقایسه آن با خط فقر مناسب در قالب شاخص های مختلف فقر اقدام می شود. اما واقعیت این است که گاهی نه تنها عدم دسترسی به درآمدها و منابع، منجر به فقر می شود، بلکه از دست دادن فرصتها نیز فقر را تشدید می کند. در این راستا، نهادهایی چون نهادهای آموزشی، بهداشتی و مالی فرصت های از دست رفته را کاهش خواهند داد.

اصولاً فقر در مناطقی که با شرایط وخیم بیوفیزیکی و محرومیت های اقتصادی اجتماعی روبرو هستند، گسترده می شود. فقرا نه تنها دسترسی به منابع و درآمدهای مالی ندارند بلکه فرصتهای پیش روی آنها هم کم هستند. بازارها و اشتغال از مسایلی هستند که باعث جدا سازی مناطق مختلف با شرایط جغرافیایی و اجتماعی متفاوت شده اند. همچنین دسترسی به آموزش و بهداشت می تواند توانایی افراد ساکن در منطقه خاص جغرافیایی را در دستیابی به منابع درآمدی خارج از مزرعه افزایش دهد. بنابراین فقر می تواند در دو زمینه مورد بررسی قرار گیرد: فقر درآمدی که از طریق اندازه گیری مخارج سرانه خانوار و مقایسه آن با یک خط فقر مناسب قابل ارزیابی است و فقر غیر درآمدی که از طریق بررسی دسترسی به نهادها و چگونگی عملکرد آنها در کاهش فقر می تواند مورد ارزیابی قرار گیرد.

این مطالعه در عین بررسی معیارهای پولی فقر، معیارهای غیر پولی را نیز مورد بررسی قرار می دهد. در واقع مساله فقر در این مطالعه با توجه به ساختار نهادهای موثر در منطقه مورد مطالعه قرار گرفته است. نهادها قوانین رسمی و غیر رسمی هستند که رفتار بنگاههای اقتصادی را مقرر می کنند (نورث، ۱۹۹۱). شرکت های تعاونی از جمله نهادهای رسمی هستند که در کاهش فرصتهای از دست رفته روستاییان تاثیر زیادی دارند. مطالعه حاضر، تاثیر نهادها بخصوص تعاونی ها و با تاکید ویژه بر تعاونی روستایی زنان در کاهش فقر منطقه را مورد بررسی قرار داده است. شرکتهای تعاونی بازاریابی از مهمترین نهادهای روستایی هستند که نه تنها در زمینه کاهش فرصتهای از دست رفته کشاورزان تاثیر بالقوه ای دارند، بلکه از طریق ایجاد منابع درآمدی جدید هم می توانند در راستای کاهش فقر خانوارها موثر واقع شوند. این تاثیر بخصوص هنگامی تشدید خواهد شد که تعاونی های بازاریابی علاوه بر فعالیتهای معمول بازاریابی و تعاونی مصرف، نقشی در رابطه با ایجاد اعتبارات خرد اعمال کنند. تعاونی های بازاریابی تربت جام از نمونه های موفق چنین تعاونی هایی هستند که با ایجاد شبکه های اعتباری خرد راهی برای مبارزه با فقر در جامعه روستایی ایجاد کرده اند.

در ایران مطالعات بسیاری در رابطه با فقر انجام شده است و محققین متعددی حول این مساله به مطالعه پرداخته اند. اما توجه به مطالعات انجام شده در این زمینه گویای آن است که هر چند در برخی کشورهای

در حال توسعه تلاشهایی بمنظور شناسایی ماهیت این پدیده بعمل آمده است، تعیین کننده های فقر در ایران در قالب یک مطالعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

از جمله مطالعاتی که در سایر کشورها در زمینه بررسی تعیین کننده های فقر انجام شده است، می توان به مطالعه مادزینگیرا (۱۹۹۷) اشاره کرد. وی نشان داد در کشور زامبیا چندین گروه جمعیتی، نسبت به سایرین بیشتر در زمره افراد فقیر قرار می گیرند. از جمله می توان به افراد بالای ۶۰ سال، زنان و ساکنین مناطق روستایی اشاره کرد. از سایر عوامل موثر بر فقر که در این مطالعه بررسی شده اند، می توان بیکاری، مشاغل با دستمزد پایین، قیمت های بالای کالاهای اساسی و بخصوص در بخش روستایی، وقوع خشکسالی های مکرر، کمبود تکنولوژی مناسب در کشاورزی و سایر بحران های پیش آمده در بخش کشاورزی را نام برد. همچنین در این مطالعه نشان داده شد که در بخش شهری، افراد فقیر کمتری وجود دارد اما پدیده قابل توجهی که در این بخش ملاحظه گردید این بود که حتی افرادی که نسبت به مناطق روستایی از درآمد بالاتری برخوردارند، می توانند در گروه فقرا رده بندی شوند. علت این پدیده بالاتر بودن استاندارد زندگی در مناطق شهری در مقایسه با مناطق روستایی ذکر گردیده است.

گروتوات (۱۹۹۷) نیز با استفاده از یک رگرسیون پروبیت در ساحل عاج نشان داد که تحصیل در بخش شهری شانس فقیر بودن را کاهش می دهد. نتیجه این مطالعه همچنین روشن ساخت که در مناطق روستایی با سرمایه انسانی پایین تر، هر یک سال تحصیل برای افراد ساکن در این روستاها، دو برابر میزانی که تحصیل در مناطق شهری، فقر را کاهش می دهد، از فقر می کاهد. عامل مهم دیگری که در فقر مناطق شهری موثر شناخته شده است، محل سکونت در شهرهاست، بگونه ای که افراد ساکن در نواحی مرکزی از فقر کمتری نسبت به سایر افراد رنج می برند. همچنین این مطالعه نشان داد که تنوع درآمدی در مناطق روستایی به کاهش فقر خانوارهای ساکن در این مناطق کمک چندانی نمی کند.

مطالعاتی که در این رابطه صورت گرفته است، چندین عامل مهم را در تعیین فقر شهری و روستایی موثر می دانند. از جمله عواملی که برای توضیح فقر روستایی ذکر می کنند، فصلی بودن کشاورزی، کشت محصولات اولیه و اساسی و در نتیجه دارای قیمت پایین، ریسک عوامل آب و هوایی، پایین بودن سطح تحصیلات و اندازه بزرگ خانوارهاست (هیل، ۱۹۸۲). از سوی دیگر سان و همکاران (۱۹۹۶) بر این باورند که شوک های خارجی و سیاسی می تواند از مهمترین عوامل تعیین کننده در جوامع شهری باشند. اما بهر حال از آنجا که برای فقرای شهری امکان استخدام در مشاغل دولتی و رسیدن به یک تامین حداقل وجود دارد، فقر در مناطق شهری کم رنگ تر از مناطق روستایی دیده می شود.

در تمامی مطالعاتی که در رابطه با فقر صورت می گیرد، لزوم استفاده از یک خط فقر وجود دارد. تعیین خط فقر که اولین گام در مطالعات مربوط به فقر محسوب می شود، شاید از پر مناقشه ترین مباحث در

اقتصاد رفاه باشد. خط فقر مخارجی است یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می شود. افرادی که به این سطح رفاهی دسترسی ندارند، فقیر تلقی می شوند. برای اندازه گیری این آستانه چگونه بایستی اقدام کرد؟ اینکه نیازهای اولیه و اساسی انسان ها چگونه تعریف شود، عاملی است که باعث گردیده خط فقر های متفاوت و در نتیجه نرخهای فقر مختلف گزارش شود. بنابراین بنظر می رسد نحوه نگرش به مقوله حداقل نیازهای اساسی و تبدیل آن به یک واحد عینی مالی، می تواند موضوع مهمی در رابطه با اندازه گیری فقر و تقسیم نمونه مورد مطالعه به دو گروه فقیر و غیر فقیر باشد.

در ایران، محققین متعددی سعی بر برآورد خط فقر داشته اند. شاید اولین مطالعه انجام شده در زمینه محاسبه خط فقر در ایران توسط عظیمی در سال ۱۳۵۱ انجام شده باشد. از سایر افرادی که در این رابطه می توان نام برد، خداداد کاشی و حیدری (۱۳۸۱)، خالدی (۱۳۷۹)، صمدی (۱۳۷۸)، دینی ترکمانی (۱۳۷۵) و حکمتی (۱۳۷۹) و ... است. اما در این رابطه جمشید پژویان از جمله افرادی است که بارها و با استفاده از روشهای مختلف و دقیق اقتصادی نسبت به برآورد خط فقر اقدام کرده است. وی در یکی از مطالعات خود (۱۳۷۵)، خط فقر غذایی و غیر غذایی را بمنظور برآورد خط فقر مطلق محاسبه کرده است.

بطور معمول اقتصاد دانان در بررسی رفاه خود را در معیارهای پولی اسیر می کنند. یکی از معمولترین این معیارها مخارج مصرفی سرانه و یا معادل افراد بالغ آن است. دلیل برتری مخارج بر درآمدها آن است که مخارج مصرفی خانوار بهتر می تواند سطح و وضعیت رفاهی خانوار را منعکس سازد. از سوی دیگر علی رغم جمع آوری داده های مخارج مصرفی در سطح خانوار، معادل افراد بالغ مخارج مصرفی مورد استفاده قرار گرفت تا بهتر بتواند گویای سطح رفاه خانوار باشد. اما واقعیت آن است که عوامل غیر پولی نیز می تواند در سطح رفاه خانوار موثر باشد. از جمله مهمترین عوامل غیر پولی موثر می توان به نهادهای اجتماعی اشاره داشت که بطور موثری می تواند به کاهش فقر منجر شود. مدارس (و تاثیر آن بر سطح تحصیلات منطقه)، تسهیلات بازاریابی (و تاثیر آن بر سطح مصرف منطقه)، تسهیلات بهداشتی (و تاثیر آن بر بهره وری منطقه) و تعاونی ها (و تاثیرشان بر سطح رفاهی منطقه) از موارد غیر پولی موثر در کاهش فقر منطقه هستند. لذا در مطالعه حاضر مجموعه عوامل پولی و غیر پولی موثر بر فقر با تاکید خاص بر روی تعاونی ها بخصوص تعاونی فعال زنان در این منطقه، مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس مقدمات فوق، این مطالعه در راستای اهداف زیر انجام شده است:

- تخمین خط فقر غذایی، غیر غذایی و کل برای مناطق روستایی استان فارس
- بررسی تعیین کننده های نهادی فقر و برآورد آنها در منطقه مورد مطالعه
- بررسی نقش تعیین کننده تعاونی های روستایی بخصوص تعاونی زنان در کاهش فقر منطقه

## روش تحقیق

دو دسته داده در مطالعه حاضر مورد استفاده قرار گرفت. نمونه اول داده های خام طرح هزینه در آمد خانوار است که توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۴ جمع آوری شده است. از میان این داده، تنها داده های مناطق روستایی استان فارس مورد استفاده قرار گرفت تا خط فقر خانوارهای روستایی بدست آید. دسته دوم داده های مورد بررسی، داده های پیمایشی است که از طریق پرسشنامه در دو روستای اسماعیل آباد و تفهیان به نسبت تعداد اعضای عضو تعاونی زنان در هر روستا بدست آمده است.

منطقه مورد مطالعه شامل در روستای اسماعیل آباد و تفهیان می باشد که در دهستان بیدزرد، بخش مرکزی شهرستان شیراز واقع شده اند. طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، کل جمعیت این منطقه ۵۵۲۱ نفر در قالب ۱۳۵۰ خانوار است. از این تعداد ۴۰۶۱ نفر با سواد هستند که بترتیب ۷۷/۶ و ۶۹/۴ درصد زنان منطقه را تشکیل می دهند. تعاون روستایی امیرکبیر و تعاون روستایی زنان تفهیان از نهادهای فعال و موثر در کاهش فقر منطقه محسوب می شوند. تعداد اعضای تعاون روستایی زنان تفهیان که از فعالترین تعاونی های زنان در سطح کشور شناخته شده است، ۴۵۰ نفر است که ۳۷۰ عضو در روستای تفهیان و ۸۰ عضو در روستای اسماعیل آباد ساکن هستند. در حال حاضر ۸ نفر در این تعاونی مشغول به کار هستند که همگی از زنان سرپرست خانوار می باشند. این تعداد به فعالیتهای متنوعی از جمله فروشگاه تعاونی مصرف، نانوايي، توليد دستمال كاغذی و حسابداری تعاونی می پردازند. البته با سرمایه گذاری در فعالیت تاکسی تلفنی، این تعاونی موجبات اشتغال تعدادی از افراد روستا که همسازان در این تعاونی عضویت دارند را فراهم آورده است. از سوی دیگر با پرداخت وام سالیانه به اعضا موجبات فراهم آوردن اعتبارات خرد را برای افراد منطقه ایجاد کرده است. وام های سالیانه از اعتبار سازمان تعاون روستایی تامین می شود که حدود دو برابر سهام اعضا به آنها وام داده می شود. هیات مدیره این تعاونی بدنبال ایجاد صندوق اعتباری دیگری از محل سرمایه های خود تعاونی است که بتواند بیش از پیش تسهیلات اعتباری را برای اعضا فراهم آورد. از جمله فعالیتهای دیگر این تعاونی، مشارکت در اداره نانوايي دیگری در روستا و اقدام به بازگشایی فروشگاه مرغ و ماهی است. همچنین، فعالیت های آموزشی بخصوص در فصل تابستان از سوی این تعاونی هدایت می شود و بدین ترتیب هم جز نهادهای موثر در کاهش بلندمدت فقر منطقه محسوب می شود.

در مرحله اول تحقیق حاضر، روش استخراج خط فقر در مطالعه حاضر بیان گردیده است. روش های برآورد خط فقر مطلق که نیازهای اساسی و اولیه زندگی را فراهم سازد در ادبیات اقتصاد رفاه توسعه یافته است. برآورد هزینه لازم برای نیازهای اساسی عموماً طی دو مرحله انجام می شود. در اولین قدم، حداقل مخارج غذایی لازم برای یک زندگی در وضعیت سلامت که به خط فقر غذایی ( $Z_f$ ) معروف است، برآورد می شود.

سپس تخمینی از حداقل مخارج غیر خوراکی لازم جهت تعیین خط فقر غیر غذایی ( $Z_{nf}$ ) بدست آمده، با خط فقر غذایی جمع می شود تا خط فقر کل ( $Z_1$ ) بدست آید.

روش مورد استفاده در تحقیق حاضر بمنظور تعیین خط فقر غذایی، یکی از روش های مرسوم در ادبیات موضوع فقر، روش تامین انرژی غذایی (FEI) است که در تحقیق های متعددی مورد استفاده قرار گرفته است (گریور و توربک، ۱۹۸۶؛ اوکورات و همکاران، ۲۰۰۲؛ آناند و هریس، ۱۹۹۴؛ اسرا و فرانسیسکو، ۲۰۰۱؛ احمد، ۲۰۰۴ و ...). در این روش، ابتدا کالری استفاده شده توسط خانوار بر اساس انواع غذا های مصرفی آنها بدست می آید و سپس در مقابل مخارج انجام شده توسط خانوار بر روی غذاهای مورد استفاده رسم می شود. نهایتاً مخارجی که لازمست تا حداقل کالری مورد نیاز روزانه جذب شود، توسط محقق محاسبه می شود (داکلاس و ارار، ۲۰۰۵). در تحقیق حاضر، بطور مشخص مراحل زیر جهت استخراج خط فقر غذایی به روش FEI انجام شده است: ابتدا هزینه غذای مورد استفاده توسط خانوار  $V_j$ ، از طریق حاصلضرب مقدار مورد استفاده از غذای  $j$ ام توسط خانوار  $j$ ام ( $D_{ij}$ ) در ارزش ریالی آن ( $P_{ij}$ ) بدست آمده است.

$$V_j = \sum_i D_{ij} P_{ij} \quad (1)$$

همچنین معادل فرد بالغ برای هر خانوار ( $H_j$ ) بعنوان جایگزینی برای بعد خانوار محاسبه گردیده است. بدین منظور از معادلهای پیشنهاد شده توسط دکرون و کریشان (۱۹۹۸) جهت اختصاص معادلی متناسب جنس و سن اعضای خانوار استفاده گردید. معادل افراد بالغ استفاده شده در جدول (۱) آورده شده است. سپس از طریق تقسیم ارزش غذای مصرف شده توسط خانوار  $V_j$  بر معادل افراد بالغ همان خانوار، غذای مصرف شده توسط هر فرد بالغ ( $X_j$ ) در خانوار  $j$ ام بدست می آید:

$$X_i = \frac{V_j}{H_j} \quad (2)$$

جدول (۱): معادل افراد بالغ

گروه سنی	مرد	زن	گروه سنی	مرد	زن
۱-۰	۰/۳۳	۰/۳۳	۱۴-۱۲	۰/۹۶	۰/۸۴
۲-۱	۰/۴۶	۰/۴۶	۱۶-۱۴	۱/۰۶	۰/۸۶
۳-۲	۰/۵۴	۰/۵۴	۱۸-۱۶	۱/۱۴	۰/۸۶
۵-۳	۰/۶۲	۰/۶۲	۳۰-۱۸	۱/۰۴	۰/۸۰
۷-۵	۰/۷۴	۰/۷۴	۶۰-۱۰	۱/۰۰	۰/۸۲
۱۰-۷	۰/۸۴	۰/۷۲	بالای ۶۰ سال	۰/۸۴	۰/۷۴
۱۲-۱۰	۰/۸۸	۰/۷۸			

منبع: مطالعه دکرون و کریشان (۱۹۹۸)

در مرحله بعد، با استفاده از جداول ارزش تغذیه ای، معادل کالری استفاده شده برای انواع مختلف غذاهای مورد استفاده توسط هر یک فرد بالغ خانوار محاسبه می گردد. بدین منظور کلیه غذاهای مورد استفاده توسط خانوارها به گروههای مختلف تقسیم بندی شده و سپس با استفاده از کالری های گزارش شده در متون تغذیه، ارزش غذایی برای هر فرد بالغ بر اساس کالری محاسبه می گردد.

در محاسبه مخارج انجام شده در سطح کالری دریافت شده، می توان از رگرسیون های پارامتریک با فرم لگاریتمی خطی و یا درجه دوم استفاده کرد (مثل مطالعه اوکورات و همکاران، ۲۰۰۲). این نوع رگرسیون فرض می کند که شکل تابعی میان مخارج و کالری دریافت شده، معلوم است. این در حالی است که این فرض همیشه صحیح نمی باشد. در این موارد خط فقر برآورد شده می تواند نسبت به مقدار واقعی آن، اریب باشد. روش انعطاف پذیرتری که می تواند در برآورد رابطه میان کالری دریافت شده از غذاهای مصرفی خانوار و مخارج مربوط به آنها کاربرد داشته باشد، استفاده از رگرسیون غیرپارامتریک است. بخصوص که در مورد برآورد خط فقر، نیازی به آزمون فرض در رابطه با پارامترهای تخمینی نبوده و تنها میزان موردانتظار متغیر وابسته که مخارج انجام شده است، گویای خط فقر غذایی است. امکان برآورد خط فقر غذایی به روش غیرپارامتریک در بسته نرم افزاری DAD 4.4 فراهم شده است.

مرحله بعد، برآورد جز غیر غذایی خط فقر است. روش معمول برای تخمین خط فقر غیر غذایی بدست آوردن نسبت مخارج غذایی به کل مخارج خانوارها و تعمیم این نسبت به خط فقر غذایی و خط فقر کل است (داکلاس و ارار، ۲۰۰۵). هر چه سهم مخارج خوراکی از کل مخارج بالاتر باشد، خط فقر غذایی به خط فقر کل نزدیکتر است. در مطالعات کاربردی روش های متفاوتی جهت برآورد خط فقر غیر غذایی استفاده شده است:

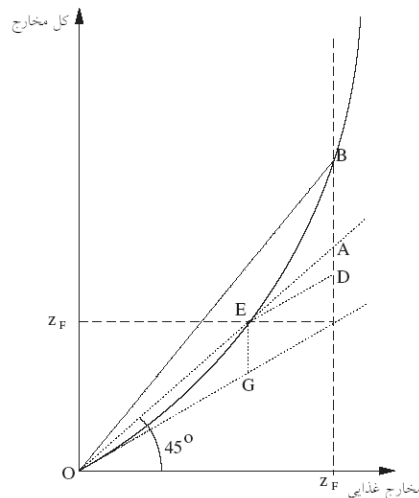
روش اول - سهم متوسط هزینه مواد غذایی برای افرادی که کل مخارجشان برابر خط فقر غذایی است.

روش دوم - سهم متوسط هزینه مواد غذایی برای افرادی که کل مخارج غذایی شان برابر خط فقر غذایی است.

روش سوم - اضافه کردن خط فقر به مخارج غیر خوراکی برای افرادی که کل مخارجشان برابر خط فقر غذایی است.

برای تجزیه و تحلیل این روش ها بایستی ابتدا کل مخارج بر مخارج غذایی بطور غیر پارامتریک رگرس شود تا مقادیر پیش بینی کل مخارج در سطوح مختلف مخارج غذایی بدست آید و بتوان تحلیل های فقر را ادامه داد. نمودار (۱) بیانگر مقادیر پیش بینی شده مخارج کل به ازای هر سطح از مخارج غذایی خانوارهاست که از

رگرسیون غیر پارامتریک بدست می آید. علاوه بر آن خط فقر غذایی روی هر دو محور در سطح  $Z_F$  نشان داده شده است. این دو سطح روی خط می کنند.



#### نمودار (۱) خط فقر و مخارج غذایی

در روش اول، سهم متوسط هزینه غذایی افرادی مورد استفاده قرار می گیرد که مخارج کل آنها برابر خط فقر غذایی است. سهم مخارج غذایی در این نقطه از معکوس شیب خط  $OE$  بدست می آید. بنابراین براساس این روش، خط فقر کل به اندازه طول نقطه  $A$  بدست می آید.

در روش دوم، سهم متوسط هزینه غذایی افرادی که مخارج غذایی شان برابر خط فقر غذایی است، ملاک عمل قرار می گیرد. افرادی که مخارج غذایی شان برابر خط فقر غذایی است، روی نقطه  $B$  قرار دارند و سهم غذای آنان از معکوس شیب خطی بدست می آید که از مبدا به  $B$  وصل می شود. بنابراین، خط فقر کلی به اندازه  $OB$  است که نسبت به روش اول بیشتر است. در واقع روش اول روی جمعیتی تکیه دارد که همه مخارجشان برابر با خط فقر غذایی باشد. اما روش دوم بر افرادی متمرکز است که تنها مخارج غذایی شان برابر با خط فقر غذایی باشد. پس در مقایسه، سهم غذا در روش  $B$  نسبت به  $A$  کمتر است.

در روش سوم که معمول ترین روش است و در این مطالعه نیز مورد استفاده قرار گرفته است، مخارج غیر غذایی افرادی مدنظر قرار می گیرد که کل مخارجشان برابر خط فقر غذایی است. بنابراین، باز هم افرادی که روی نقطه  $E$  قرار دارند در این روش مطرح هستند و  $EG$  برابر مخارج غیر غذایی شان است که با اضافه کردن این مقدار ( $EG$ ) به خط فقر غذایی، خط فقر کلی بدست می آید که در محاسبه معیارهای فقر مورد استفاده قرار خواهد گرفت. بدین ترتیب، خط فقر کل در این روش برابر طول نقطه  $D$  خواهد بود.

با تعیین خط فقر، می توان در جهت محاسبه اندازه فقر اقدام کرد. شاخصهای اندازه گیری فقر متفاوتی وجود دارد که در این مطالعه از میان آنها به متداولترین و پرکاربردترین آنها یعنی مجموعه شاخص های

فقر FGT که اولین بار توسط فوستر، گریر و توربک (۱۹۸۴) معرفی شدند استفاده گردید. شاخص فقر FGT بصورت جبری برابر است با:

$$FGT = p(\alpha) = 1/n \sum_{i=1}^q [(Z - Y_i)/Z]^\alpha \quad (3)$$

که در آن،  $n$  تعداد کل افراد جامعه،  $q$  تعداد افراد فقیر،  $Z$  خط فقر و  $Y_i$  درآمد فرد  $i$ ام نمونه مورد مطالعه است. همچنین  $\alpha$  پارامتری است که میزان گریز از فقر را در جامعه نشان می‌دهد و هر چه اندازه این پارامتر بزرگتر باشد، بدان معناست که جامعه از فقر گریزان‌تر بوده و به فقیرترین افراد اهمیت بیشتری می‌دهد.

چنانچه پارامتر  $\alpha$  برابر صفر باشد، شاخص نسبت سرشمار بدست می‌آید که ساده‌ترین روش اندازه‌گیری فقر را در اختیار محقق قرار می‌دهد. این شاخص که گاهی بصورت درصد بیان می‌شود، نسبت افراد فقیر (افرادی که درآمدی زیر خط فقر دارند) را نسبت به کل افراد جامعه نشان می‌دهد. این شاخص با استفاده از رابطه (۴) محاسبه می‌شود (مهریار، ۱۳۷۳، داکلاس، ۲۰۰۲ و سایرین).

$$H = q/n \quad (4)$$

اما بی‌تاثیر بودن کاهش میزان درآمد افراد فقیر جامعه، انتقال درآمد از افراد فقیر جامعه به ثروتمندان یا انتقال درآمد در جامعه از افراد غیر فقیر به فقرا بر اندازه این شاخص، از مشکلات آن است. بنابراین استفاده از این شاخص با تمام سادگی بیان نمی‌دارد که افراد فقیر چقدر از فقر رنج می‌برند و یا برای ازبین بردن فقر آن‌ها به چه مقدار منابع نیاز است.

در مقابل اگر به شدت فقر تمام افراد وزن یکسانی داده شود (یعنی در صورت برابر واحد بودن پارامتر  $\alpha$ )، می‌توان از شاخص نسبت شکاف درآمدی استفاده کرد. در محاسبه این شاخص که برابر رابطه (۵) است، فرض می‌شود که تمام افراد فقیر به یک اندازه از فقر رنج می‌برند (مهریار، ۱۳۷۳، داکلاس، ۲۰۰۲ و سایرین):

$$I = (1/n) \sum_{i=1}^q [(Z - Y_i)/Z] \quad (5)$$

این شاخص به عکس شاخص نسبت سرشمار در مقابل تعداد افراد فقیر کاملاً غیرحساس است. در واقع از جمع صورت کسر فوق، شکاف فقر محاسبه می‌گردد که با تقسیم بر خط فقر، این مقدار بصورت یک نسبت نشان داده می‌شود. نسبت بدست آمده با تقسیم بر تعداد افراد فقیر تعدیل می‌گردد.

می‌توان اظهار داشت که شاخص نسبت سرشمار و شاخص نسبت شکاف درآمدی از یک نظر مکمل هم هستند. شاخص نسبت سرشمار تعداد افراد فقیر را نشان می‌دهد بدون آن که چیزی درباره شدت یا عمق فقر آن‌ها بگوید. در حالی که شاخص نسبت شکاف درآمدی عمق فقر را بیان می‌کند ولی در مورد تعداد زیر خط فقر اطلاعی بدست نمی‌دهد. اما هیچ یک از این دو شاخص نسبت به توزیع مجدد درآمد در میان افراد فقیر حساس نیستند.

در شرایطی که انتقال درآمد از یک فرد فقیر به فرد دیگری زیر خط فقر صورت گیرد، نسبت سرشمار و یا شکاف درآمدی هیچ تغییری را نشان نمی دهند، حال آنکه فرد اول فقیرتر و فرد دوم غنی تر شده است. راه حل موجود برای این مساله این است که وزن بیشتری به کاهش فقر فردی داده شود که در وضع بدتری قرار دارد یعنی حساسیت بیشتری به فقر داده شود. در این صورت  $\alpha$  بزرگتر از واحد خواهد بود. رهیافت معمول در ادبیات فقر آن است که بمنظور اندازه گیری شدت فقر، پارامتر موردنظر را برابر ۲ قرار می دهند (مهریار، ۱۳۷۳، داکلاس، ۲۰۰۲ و سایرین).

در قسمت دوم مطالعه به بررسی ماهیت فقر، تعیین کننده های و نقش آنها در احتمال فقیر شدن خانوار، پرداخته شده است. اخیراً مطالعات متعددی در جهت بررسی تعیین کننده های فقر در کشورهای در حال توسعه انجام گرفته است. تعدادی از این مطالعات (مانند مطالعه هاگوس و هولدن؛ مینوت و بالچ، ۲۰۰۲ و ...) تنها به تعریف و اندازه تعیین کننده های فقر پرداخته اند اما عده دیگری از مطالعات علاوه بر بررسی تعیین کننده ها، با استفاده از یک مدل با متغیر وابسته دو تایی به بررسی تاثیر هر یک از آنها بر احتمال فقر خانوار پرداخته اند.

الگوهای اقتصاد سنجی مناسب جهت این نوع برآوردها شامل الگوی احتمال خطی، الگوی لاجیت و الگوی پروبیت می باشد. الگوی احتمال خطی بدلیل مشکلاتی چون بروز واریانس ناهمسانی در جمله خطا، نرمال نبودن توزیع جمله خطا در این الگو و احتمال خارج شدن مقدار پیش بینی الگو از محدوده صفر و یک، کمتر استفاده می شود (سلامی و خالدی، ۱۳۸۰). در مقابل دو الگوی لاجیت و پروبیت که از توابع توزیع جمعی لاجیستیک و نرمال بمنظور انتقال مقادیر پیش بینی شده توسط الگوی رگرسیون خطی به درصد احتمال استفاده می کنند، نتایج بسیار مشابهی را در اختیار می گذارند. بنابراین، تعدادی از مطالعات در رابطه با تعیین کننده های فقر از الگوی لاجیت بهره گرفته اند (مثل مطالعه بیگستون و شملیز، ۲۰۰۴ و اوکرات و همکاران، ۲۰۰۲) و تعدادی دیگر با استفاده از مدل پروبیت به بررسی نقش تعیین کننده های فقر پرداخته اند (مانند مطالعه مینوت، ۱۹۹۸؛ بیگستون و همکاران، ۲۰۰۲ و چیروا، ۲۰۰۵). در مطالعه حاضر از مدل پروبیت جهت بررسی عوامل موثر بر احتمال فقیر بودن خانوار استفاده شده است.

همانطور که ذکر شد، فرض می شود تابع توزیع تجمعی جمله تصادفی در این مدل دارای توزیع نرمال است. بنابراین احتمال  $(P_i)$  انتخاب گزینه یک در مقابل گزینه صفر به صورت رابطه (۶) بیان می شود.

$$P_i = \text{prob}[Y_i = 1 | X] = \int_{-\infty}^{x'\beta} (2\pi)^{-\frac{1}{2}} \exp\left(-\frac{t^2}{2}\right) dt = \Phi(x'\beta) \quad (6)$$

که  $Y_i$  متغیر وابسته بوده و برای خانوارهایی که مخارج سرانه آنها کمتر از خط فقر محاسبه شده است، ارزش یک و برای آنها که در گروه فقرا قرار نمی گیرند، ارزش صفر را اختیار می نماید.  $X_i$  بردار متغیرهای

توضیحی است که شامل خصوصیات مختلف خانوارهای مورد مطالعه است. از جمله این خصوصیات می توان به موارد زیر اشاره کرد: **تعیین کنندگان های سنی و جنسی خانوار** (شامل بعد خانوار، نسبت افراد مونث به بعد خانوار، نسبت وابستگی (نسبت تعداد افراد دارای درآمد به بعد خانوار)، نسبت افراد دارای تحصیلات دانشگاهی به بعد خانوار و نسبت افراد باسواد به بعد خانوار)، **تعیین کنندگان های سرپرست خانوار** (شامل جنس سرپرست خانوار، سن سرپرست خانوار، تحصیلات سرپرست خانوار و وضعیت اشتغال سرپرست خانوار (شاغل، بیکار و یا خانه دار))، **تعیین کنندگان های مالی و درآمدی خانوار** (اندازه زمین در اختیار خانوار، نحوه تملک خانه، تعداد اتاق در خانه، مالکیت تراکتور، چاه یا سایر دارایی های بادوام) و **تعیین کنندگان های نهادی** (شامل عضویت در تعاونی روستایی امیرکبیر، عضویت در تعاونی روستایی زنان، شرکت در فعالیت های اعتباری تعاونی ها، شرکت در کلاسهای آموزشی و استفاده از تعاونی مصرف تعاونی ها).  $\beta$  بردار پارامترهای مدل است که بایستی برآورد شوند. ارتباط بین یک متغیر توضیحی خاص و پیامد احتمالی انتخاب گزینه مورد نظر یا  $P(Y_i=1)$ ، به کمک اثر نهایی<sup>2</sup> که به صورت تغییر جزئی در احتمال انتخاب ارزش یک، به ازاء تغییر در متغیر توضیحی مورد نظر تعریف می شود- تفسیر می گردد. به عبارت دیگر اثر نهایی همان مشتق تابع برآورد شده نسبت به هر کدام از متغیرهای توضیحی در یک نقطه معین است. اثر نهایی متغیر توضیحی پیوسته  $X_k$  بر احتمال رخ دادن گزینه  $Y_i=1$  به شرط ثبات سایر متغیرها، از رابطه (7) بدست می آید.

$$\frac{\partial P_i}{\partial x_{ik}} = \phi(x' \beta) \beta_k \quad (7)$$

و  $\phi(x' \beta)$  از رابطه زیر محاسبه می گردد:

$$\phi(x' \beta) = \frac{1}{\sqrt{2\pi}} \exp\left[-\frac{1}{2}(x' \beta)^2\right] \quad (8)$$

$\phi$  نشان دهنده تابع چگالی احتمال یک متغیر تصادفی نرمال استاندارد است. علامت اثر نهایی بستگی به علامت  $\beta_k$  داشته و اندازه آن به وسیله مقادیر  $\beta_k$  و  $X$  تعیین می گردد. در نتیجه اندازه اثر نهایی به سطوح تمام متغیرهای موجود در ماتریس متغیرهای توضیحی بستگی دارد. برآوردهای متفاوتی از اثرات نهایی می تواند از مقادیر مختلف متغیرهای مستقل بدست آید. بهتر است برآورد اثرات نهایی در مقدار میانگین متغیرهای مستقل محاسبه گردد (گرین، ۲۰۰۰). چنانچه ماتریس متغیرهای مستقل شامل متغیر مجازی نیز باشد ممکن است اثرات نهایی به طور مناسبی محاسبه نشوند. میانگین متغیر مجازی برای محاسبه اثرات نهایی مناسب نیست زیرا با هیچ کدام از مقادیر مشاهدات متغیر مورد نظر مطابقت ندارد. برای حل این مساله روش های مختلفی در مطالعات کاربردی پیشنهاد شده است. در این میان می توان از روشی استفاده کرد که در آن اثر نهایی را در مقادیر صفر و یک متغیر مجازی محاسبه نموده و سپس مقدار این اثر در صفر را از مقدار آن در یک کسر نموده و آن را

بعنوان اثر نهایی متغیر توضیحی مورد بررسی در نظر گرفته شود. متغیرهای مجازی که تنها دو حالت را در بر میگیرند (مانند جنس سرپرست خانوار، وضع سواد سرپرست خانوار، مالکیت یا عدم مالکیت اتومبیل شخصی و ...) با این روش توسط نرم افزار Limdep بطور خودکار محاسبه می شود. اما برای متغیر نحوه تملک خانه، سه حالت متصور است. لذا دو متغیر مجازی صفر و یک تعریف می گردد. در رابطه با نحوه تصرف خانه متغیر اول در صورت مالک بودن خانوار مقدار یک و در غیر اینصورت مقدار صفر اختیار می نماید و متغیر دوم در صورت مستاجر بودن مقدار یک و در غیر اینصورت مقدار صفر را در بر می گیرد. اثر نهایی این دو متغیر توسط نرم افزار محاسبه می شود. اما حالت سومی نیز وجود دارد که خانوار بطور مجانی یا در برابر خدمت از خانه استفاده کند و یا سایر حالات وجود داشته باشد. بمنظور محاسبه اثر نهایی این وضعیت، مقدار متغیر اول در صفر را از مقدار متغیر دوم در صفر کسر کرده و آن را بعنوان اثر نهایی حالت سوم در نظر گرفته می شود.

## نتایج و بحث:

شاخص استاندارد زندگی بیانگر فرصتهای موجود خانوار در ایجاد درآمد است. در این مطالعه از مخارج مصرفی خانوار بعنوان شاخص استاندارد زندگی استفاده شده و با استفاده از این شاخص، تعیین کننده های فقر بررسی شده است. تحلیل فقر در این مطالعه در سطح منطقه تفهیان که از مناطق روستایی استان فارس می باشد انجام گرفته است. داده های موجود مرکز آمار ایران داده های مربوط به طرح هزینه درآمد خانوارها در سال ۱۳۸۴ می باشد. لذا خطوط فقر محاسبه شده بر اساس شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی مناطق روستایی تعدیل شده و خط فقر غذایی، غیر غذایی و خط فقر کل سالیانه برای یک فرد بالغ در سال ۱۳۸۶، بترتیب معادل ۲۰۸۹۷۸۹، ۲۸۶۷۰۱۶ و ۴۹۵۶۸۰۶ ریال بدست آمد.

بر اساس خط فقر بدست آمده، شاخص های فقر FGT برای دو روستای اسماعیل آباد و تفهیان محاسبه گردیده است. بر این اساس در سال ۱۳۸۶، ۳۰/۵ درصد افراد در منطقه دارای درآمدی کمتر از خط فقر محاسبه شده با روش مذکور هستند. همچنین، نسبت شکاف درآمدی و شدت فقر در منطقه مورد مطالعه، بترتیب ۰/۱۱۶ و ۰/۰۵۸ بدست آمده است.

خصوصیات اقتصادی اجتماعی و جمعیت شناختی خانوارهای مورد بررسی در جدول (۲) نشان داده شده است. بدین منظور، ابتدا نمونه های مورد مطالعه به گروههای فقیر و غیر فقیر، عضو و غیر عضو تعاون روستایی امیرکبیر و عضو و غیر عضو تعاون روستایی زنان تقسیم شد و سپس در هر گروه خصوصیات مذکور بررسی شد. نگاهی به داده های نمونه مورد بررسی و جدول (۲) نشان می دهد که درصد افراد فقیر بین اعضای تعاونی های روستایی امیرکبیر و زنان نسبت به غیر اعضا بیشتر است. بعنوان مثال حدود ۴۴ درصد اعضا تعاونی امیرکبیر

و ۳۵ درصد اعضای تعاونی زنان دارای درآمدی کمتر از خط فقر هستند. این در حالی است که درصد افراد فقیر میان غیر اعضای تعاون روستایی امیر کبیر و زنان بترتیب ۲۵ و ۲۶ درصد است. این موضوع در بررسی فقر خانوارهای نمونه نیز خود را نشان داده و این مساله که ۸۱ و ۶۶ درصد افراد فقیر نمونه مورد مطالعه عضو تعاون روستایی امیر کبیر و زنان هستند، موید نظر فوق است. نکته جالب توجه دیگر آن است که درصد افراد مالک تراکتور و چاه در بین افراد فقیر نمونه بیش از افراد غیر فقیر نمونه می باشد که بیانگر آن است که افرادی که دارای تراکتور و چاه هستند، به احتمال زیاد تنها به فعالیت کشاورزی مبادرت ورزیده اند و درآمد حاصل از خط فقر کمتر بوده است حال آنکه سایرین با داشتن منابع درآمدی دیگر بجز کشاورزی قادر به کسب درآمد بالاتری بوده اند. درصد افراد دارای مالکیت تلفن همراه و ویدئو در میان افراد فقیر بیشتر از غیر فقیر بوده در حالیکه در مورد اتومبیل و کامپیوتر وضعیت برعکس بوده است. در واقع مالکیت چنین دارایی هایی بعنوان بدست آوردن جایگزینی از ثروت خانوار مورد بررسی قرار گرفته است و از آنجا که تلفن همراه و ویدئو قادر به بیان این مساله نیستند، نمی توان از آنها بعنوان تعیین کننده مناسب فقر استفاده کرد. لذا در تحقیق وارد نشده است. درصد مالکین خانه در بین تمامی گروههای مورد مطالعه تقریباً بالا و بدون تغییر معنی داری است که با واقعیت پایین بودن هزینه مسکن در مناطق روستایی مطابقت داشته و قابل پذیرش است.

جدول (۲): خصوصیات اقتصادی اجتماعی و جمعیت شناختی نمونه های مورد مطالعه

ویژگی مورد نظر	خانوارهای نمونه		تعاون روستایی امیر کبیر		تعاون روستایی زنان تفهیان	
	غیر فقیر	فقیر	عضو	غیر عضو	عضو	غیر عضو
بعد خانوار	۴/۵۹	۴/۱۲	۴/۶۸	۳/۷۶	۴/۴۸	۴/۴۱
نسبت افراد باسواد	۰/۸۹	۰/۸۴	۰/۸۸	۰/۸۶	۰/۸۶	۰/۹۰
نسبت افراد دارای تحصیلات عالی	۰/۰۲۸	۰/۰۱۹	۰/۰۲۵	۰/۰۲۸	۰/۰۲۶	۰/۰۲۵
نسبت زنان به بعد خانوار	۰/۵۰۲	۰/۵۴۷	۰/۵۰۵	۰/۵۴۸	۰/۵۱۵	۰/۵۱۶
نسبت وابستگی	۰/۳۲	۰/۳۱	۰/۳۳	۰/۲۸	۰/۳۱	۰/۳۴
سن سرپرست	۴۳/۲۲	۴۲/۱۷	۴۴/۲۵	۳۸/۷۵	۴۳/۸۷	۴۱/۳۴
خانوارهای دارای سرپرست زن (درصد)	۸/۵۴	۱۰/۹۳	۶/۲۷	۱۸/۵۶	۱۱/۶۷	۵/۹۷
متوسط تعداد سالهای تحصیل سرپرست	۶/۲۱	۵/۶۸	۵/۷۶	۶/۹۶	۵/۸۸	۶/۳۴
خانوارهای دارای سرپرست باسواد (درصد)	۸۵/۴۰	۷۸/۹۱	۸۲/۱۸	۸۷/۶۲	۸۰/۳۰	۸۸/۷۴
مالکین خانه (درصد)	۹۵/۰۲	۸۳/۱۹	۹۴/۷۱	۸۱/۴۴	۹۴/۷۸	۸۶/۰۹
تعداد اتاق متوسط	۲/۳۷	۲/۲۴	۲/۲۹	۲/۴۳	۲/۴۱	۲/۱۹
سطح زیر بنای متوسط (متر مربع)	۱۰۲/۲۸	۹۸/۸۱	۹۹/۱۹	۱۰۷/۶۷	۱۰۲/۴۵	۹۹/۲۸

۲۱/۸۵	۲۳/۵۳	۳۱/۹۶	۲۱/۴۵	۲۲/۶۸	۲۴/۵۵	مالکین اتومبیل (درصد)
۲۸/۴۷	۲۳/۲۹	۳۹/۱۸	۲۰/۷۹	۲۹/۴۱	۲۳/۴۸	مالکین تلفن همراه (درصد)
۱۵/۲۳	۱۶/۴۷	۱۷/۵۳	۱۵/۵۱	۱۲/۶۰	۱۷/۴۴	مالکین کامپیوتر (درصد)
۲۷/۸۱	۲۰/۰۸	۳۸/۱۴	۱۸/۱۵	۲۵/۲۱	۲۲/۰۶	مالکین ویدئو (درصد)
۵/۹۶	۴/۸۲	۷/۲۲	۴/۶۲	۵/۸۰	۴/۹۸	مالکین تراکتور (درصد)
۱۷/۲۲	۱۳/۲۵	۲۱/۶۵	۱۲/۵۴	۱۷/۶۰	۱۳/۵۲	مالکین چاه (درصد)
۶۱/۵۸	۸۴/۳۴	-	-	۸۰/۷۸	۶۳/۸۶	عضو تعاونی امیر کبیر
-	-	۴۰/۲۱	۷۰/۲۹	۶۶/۱۹	۵۵/۴۶	عضو تعاونی زنان
۲۶/۵۰	۳۵/۰۹	۲۵/۰۸	۴۴/۳۲	-	-	فقیر

ماخذ: داده های مورد بررسی

نتایج حاصل از برآورد مدل پروبیت با استفاده از روش MLE در خانوارهای منطقه در جدول (۳) آمده است. نتایج حاکی از این است که از بین تعیین کننده های سنی و جنسی خانوار، نسبت افراد مونث به بعد خانوار، اثر معنی داری بر احتمال فقیر بودن خانوار ندارد هر چند که جهت این تاثیر مثبت بوده است. به بیان دیگر با افزایش تعداد افراد مونث در خانوار احتمال قرار گرفتن خانوار مورد نظر در میان فقرا افزایش می یابد که دلیل آن را می توان احتمال نداشتن منبع درآمدی برای افراد مونث در مناطق روستایی ذکر کرد. افزایش نسبت های افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و افراد باسواد به بعد خانوار و همچنین افزایش نسبت وابستگی (تعداد افراد دارای درآمد در خانوار به بعد خانوار) احتمال فقیر بودن خانوار را کاهش می دهد در حالیکه افزایش بعد خانوار این احتمال را با کاهش مواجه می سازد. در میان این گروه از تعیین کننده ها، اثر نهایی نسبت وابستگی بیش از سایرین و برابر ۰/۲۶۸ بدست آمده است. به زبان دیگر افزایش نسبت وابستگی که افزایش تعداد افراد دارای درآمد را در خانوار بدنبال دارد، اثر بیشتری بر کاهش احتمال فقیر بودن خانوار دارد.

از میان تعیین کننده های سرپرست خانوار، تنها جنس و وضعیت شغلی سرپرست اثر معنی داری بر کاهش احتمال فقیر بودن خانوار نشان می دهند. جنس سرپرست بصورت متغیر کاذب (مرد=۱، زن=۰) در نظر گرفته شد. بنابراین در خانوارهای با سرپرست مرد احتمال فقیر بودن خانوار کمتر است. همچنین در رابطه با وضعیت شغلی سرپرست خانوار هم از متغیر کاذب (شاغل=۱، درغیراینصورت=۰) استفاده شد که نتایج بدست آمده نشان می دهد شاغل بودن سرپرست به اندازه ۰/۲۱۶ درصد احتمال فقیر بودن خانوار را کاهش می دهد. بررسی این نتایج همچنین بیان می دارد که افزایش سن و تعداد سالهای تحصیل سرپرست خانوار به اندازه یک سال قادر است به اندازه ۰/۰۰۶ و ۰/۰۰۱ درصد احتمال قرار گرفتن خانوار را در میان افراد فقیر کاهش دهد.

بررسی تعیین کننده های مالی و درآمدی خانوارها نکات جالبی را بدست می دهد. اولین مورد در رابطه با اندازه زمین مطرح است و اینکه این متغیر اثر معنی داری بر متغیر وابسته نشان نمی دهد. بنظر می رسد دلیل این

امر کمبود اختلاف میان اندازه زمین زمین داران در این منطقه است. اما مالکیت خانه اثر معنی داری بر کاهش احتمال فقیر بودن خانوار داشته است. از آنجا که درصد بالایی از خانوارهای نمونه مورد مطالعه مالک خانه مسکونی خود هستند، گروهی که در خانه استیجاری یا هر نوع دیگر خانه زندگی می کنند، بایستی درآمد بسیار پایین تری نسبت به سائیری داشته باشند. بنابراین مطابق نتایج بدست آمده، با مالک شدن خانه مسکونی احتمال قرار گرفتن افراد در گروه فقرا به اندازه ۰/۰۱۴ درصد کاهش می یابد. تعداد اتقهای منزل مسکونی هرچند اثر منفی بر احتمال فقیر بودن خانوار موردنظر دئارد، اما این تاثیر معنی دار نیست. نکته جالب توجه دیگر در مورد اثر منفی مالکیت تراکتور و چاه و اثر مثبت مالکیت کامپیوتر و اتومبیل بر احتمال فقیر بودن خانوار مورد مطالعه است. که البته این اثر در رابطه با مالکیت تراکتور از نظر آماری در سطح معنی داری نمی باشد. به دلیل این مساله فوقا اشاره شده است ضمن اینکه می توان بیان داشت اتومبیل و مخصوصا کامپیوتر در منطقه مورد مطالعه هنوز جز کالای لوکس است و با افزایش درآمد به خرید آنها مبادرت می شود. لذا احتمال فقیر بودن خانوارهای دارای اتومبیل شخصی و کامپیوتر به اندازه ۰/۰۱۱ و ۰/۰۶۱ نسبت به سائیرین کمتر است.

تمرکز اصلی مطالعه حاضر بر روی تعیین کننده های نهادی و بخصوص تعاونی ها بوده است. نتایج این قسمت گویای آن است که عضویت در تعاونی روستایی امیر کبیر و زنان هر دو احتمال فقیر بودن خانوار را کاهش می دهد. دیدن این نتیجه در کنار نتیجه ای که از جدول (۲) بدست آمد و گویای بالا بودن درصد فقرا در میان اعضای تعاونی ها نسبت به غیر اعضا بود، نشاندهنده تاثیر مثبت تعاونی ها در کاهش فقر منطقه بوده است. البته این تاثیر در مورد تعاونی زنان کمتر بوده است. با توجه به بررسی های محلی و صحبت با هیات مدیره تعاون روستایی زنان می توان بیان داشت که زنان در مناطق روستایی هنوز به باور مشارکتهای اقتصادی خانوار نرسیده اند و یا قدرت مانور آنها در این زمینه پایین است. چه بسا زنان این منطقه که تمایل به عضویت دارند اما بدلیل وابستگی های سنتی و ساختار سنتی خانوار در جامعه مورد بررسی قادر به عضویت در تعاونی نیستند. بهر حال اینکه استفاده از تعاون مصرف روستایی امیر کبیر و زنان هر تاثیر منفی بر فقیر بودن خانوارها داشته اند، بیانگر موثر بودن این نهادها در کاهش فقر منطقه است. البته این تاثیر در رابطه با تعاون مصرف امیر کبیر در سطح معنی داری قابل قبولی نبوده است.

جدول (۳): نتایج برآورد مدل پروبیت و اثر نهایی در نمونه خانوارهای مورد مطالعه با استفاده از روش MLE

متغیر	ضریب برآورد شده	اثر نهایی	آماره t	$P[ Z  > Z]$
ثابت	-۰/۰۳۱	-	-۰/۸۸۸	۰/۳۷۴
بعد خانوار	۰/۰۳۸	۰/۰۱۳	۲۱/۹۵۵	۰/۰۰۰
نسبت افراد مونث به بعد خانوار	۱/۲۸۸	۰/۴۱۴	۱/۰۴۱	۰/۲۹۸

نسبت وابستگی	۰/۰۹۵	۱/۶۷۲	-۰/۲۶۸	-۰/۷۹۵	
نسبت افراد دارای تحصیلات دانشگاهی	۰/۰۰۰	-۵/۱۸۱	-۰/۲۴۱	-۰/۷۱۶	
نسبت افراد باسواد به بعد خانوار	۰/۰۴۲	-۲/۰۳۵	-۰/۲۰۸	-۰/۶۱۸	
جنس سرپرست خانوار	۰/۰۵۸	-۱/۸۹۸	-۰/۱۸۲	-۰/۶۵۸	
سن سرپرست خانوار	۰/۳۲۶	-۰/۹۸۳	-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۲	
تحصیلات سرپرست خانوار (سال)	۰/۲۶۳	-۱/۱۲۲	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۳	
وضعیت شغلی سرپرست	۰/۰۳۳	-۲/۱۳۲	-۰/۲۱۶	-۰/۷۰۰	
اندازه زمین خانوار	۰/۸۷۴	۰/۱۵۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	
نحوه تملک خانه	متغیر کاذب اول	۰/۰۷۲	-۱/۷۹۷	-۰/۰۱۴	-۰/۰۳۲۴
	متغیر کاذب دوم	۰/۹۱۱	۰/۱۱۱	۰/۰۳۴	۰/۱۳۹
تعداد اتاق در خانه	۰/۴۱۲	-۰/۸۲۱	-۰/۰۴۶	-۰/۱۳۹	
مالکیت تراکتور	۰/۲۴۸	۱/۱۵۵	۰/۰۲۳	۰/۰۶۶	
مالکیت چاه	۰/۰۵۵	۱/۸۸۲	۰/۰۷۲	۰/۲۰۶	
مالکیت کامپیوتر	۰/۰۰۰	-۴/۵۱۴	-۰/۰۶۱	-۰/۱۸۸	
مالکیت اتومبیل	۰/۰۶۹	-۱/۸۱۹	-۰/۰۱۱	-۰/۰۳۳	
عضویت در تعاونی امیرکبیر	۰/۰۸۹	-۱/۷۰۱	-۰/۱۱۹	-۰/۳۳۸	
استفاده از تعاونی مصرف امیرکبیر	۰/۴۵۵	۰/۷۴۸	۰/۰۴۲	۰/۱۲۷	
استفاده از اعتبارات تعاونی امیرکبیر	۰/۰۰۰	-۴/۴۵۶	-۰/۰۳۷	-۰/۱۰۹	
عضویت در تعاون روستایی زنان	۰/۰۴۵۵	-۲/۰۰۱	-۰/۰۰۶	-۰/۰۱۹	
استفاده از تعاونی مصرف زنان	۰/۰۶۲	-۱/۸۶۶	-۰/۱۸۰	-۰/۴۹۰	
شرکت در کلاسهای آموزشی تعاونی زنان	۰/۲۰۲	-۱/۲۷۷	-۰/۰۷۲	-۰/۲۱۱	
استفاده از اعتبارات تعاونی زنان	۰/۰۰۰	-۲/۷۰۱	-۰/۰۵۰	-۰/۱۴۷	
<p>McFadden = 0.2921 , Ben./Lerman = 0.4710  Cramer = 0.4248 , Rsqrd ML = 0.4270</p>					

ماخذ: یافته های تحقیق

علاوه بر این، نتایج بدست آمده حاکی از آن است که استفاده از اعتبارات تعاونی روستایی امیرکبیر و زنان، احتمال قرار گرفتن خانوار را در زمره افراد دارای درآمد پایین تر از خط فقر را بترتیب افزایش و کاهش داده است. در این رابطه می توان اظهار کرد که تعاون روستایی زنان در این منطقه اعتبارات خود را سالیانه به هر یک از اعضا اختصاص می دهد به عبارت دیگر تمام اعضا تعاون روستایی زنان از اعتبارات این شرکت بصورت سالیانه بهره مند می شوند. لذا با افزایش سطح مخارج آنها می تواند در کاهش فقر موثر باشد اما در رابطه با

تعاون روستایی امیرکبیر این نکته صادق نیست. در این مورد می توان چنین نتیجه گیری کرد که افرادی که از اعتبارات این شرکت تعاونی استفاده می نمایند، از نظر درآمدی در سطح پایین تری قرار دارند و لذا احتمال قرار گرفتن آنها در گروه افراد فقیر افزایش می یابد. در رابطه با تعیین کننده های نهادی فقر در منطقه موردنظر، بیشترین اثر نهایی از آن استفاده از تعاونی مصرف زنان است که نشاندهنده نقش موثر این نهاد در منطقه می باشد. عبارت دیگر این نهاد با افزایش فرصتهای دسترسی درآمدی و فیزیکی برای اهالی منطقه قادر بوده است در کمرنگ تر شدن پدیده فقر موثر باشد.

نتایج بدست آمده از این برآورد به شکلی دیگر در جدول (۴) نشان داده شده است. در این جدول تاثیر هر یک از تعیین کننده های فقر در کاهش احتمال فقیر بودن یک خانوار از نظر معنی داری آماری به همراه چه تاثیر آن آورده شده است. همانطور که دیده می شود کلاسهای آموزشی تعاون روستایی زنان توانسته است تاثیر معنی داری بر کاهش احتمال فقر خانوار داشته باشد. در این رابطه صحبت های مدیر عامل شرکت حاکی از آن است که کلاسها بیشتر جهت پرکردن اوقات فراغت خانمهای منطقه تشکیل می شود. در این شرایط و با توجه به نقش مثبت ثابت شده آموزش در افزایش رفاه، می توان با تغییر جهت دادن موضوعات کلاسها بسمت آموزش های حرفه ای، توانایی زنان منطقه را جهت افزایش درآمد خانوار و بنابراین کاهش فقر، بالا برد.

از آنجا که مطالعه حاضر به بررسی نقش تعیین کننده تعاونی ها در کاهش فقر منطقه پرداخته شده است، در جدول (۵) به میزان رضایتمندی افراد نمونه از عملکرد و فعالیتهای دو تعاونی روستایی امیرکبیر و زنان در منطقه تفهیمان پرداخته شده است. همانطور که از این جدول برمی آید، بطور کلی اکثر افراد نمونه با رضایتی در سطح متوسط و خیلی زیاد از این دو تعاونی روستایی یاد کرده اند. اما همانطور که روشن است، رضایت از عملکرد تعاون روستایی زنان نسبت به امیرکبیر بالاتر و تمایل به همکاری با این نهاد نیز بیشتر است. بنظر می رسد که در میان فعالیتهای تعاونی روستایی زنان بیشترین رضایت از فروشگاه تعاون مصرف زنان و نانوائی این تعاونی بدست آمده است. بنابراین بنظر می رسد تعاون روستایی زنان بعنوان یک نهاد مستقل توانسته است در راستای ایجاد فرصتها و همچنین کاهش فرصتهای از دست رفته منطقه گام موثر بردارد. لذا می توان از این دو تعاونی بخصوص تعاونی زنان بعنوان ابزارهایی جهت کاهش فقر غیردرآمدی یاد کرد. این شرکتهای تعاونی مخصوصا تعاونی زنان با فعالیتهای متنوع سعی در برآورد این مهم داشته است.

جدول (۴): وضعیت تاثیر متغیرهای توضیحی بر احتمال فقیر بودن خانوارها بطور اجمالی

تأثیر		متغیر	تأثیر		متغیر
غیر موثر	نحوه تاثیر	تعداد اتاق در خانه	موثر	نحوه تاثیر	بعد خانوار
کاهش	جهت تاثیر		افزایش	جهت تاثیر	

غیر موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	مالکیت تراکتور	غیر موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	نسبت افراد مونث به بعد خانوار
افزایش	<b>جهت تاثیر</b>		افزایش	<b>جهت تاثیر</b>	
موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	مالکیت چاه	موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	نسبت وابستگی
افزایش	<b>جهت تاثیر</b>		کاهش	<b>جهت تاثیر</b>	
موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	مالکیت کامپیوتر	موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	نسبت افراد دارای تحصیلات دانشگاهی
کاهش	<b>جهت تاثیر</b>		کاهش	<b>جهت تاثیر</b>	
موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	مالکیت اتومبیل	موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	نسبت افراد با سواد به بعد خانوار
کاهش	<b>جهت تاثیر</b>		کاهش	<b>جهت تاثیر</b>	
موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	عضویت در تعاونی امیر کبیر	موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	جنس سرپرست خانوار
کاهش	<b>جهت تاثیر</b>		کاهش	<b>جهت تاثیر</b>	
غیر موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	استفاده از تعاونی مصرف امیر کبیر	غیر موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	سن سرپرست خانوار (سال)
کاهش	<b>جهت تاثیر</b>		کاهش	<b>جهت تاثیر</b>	
موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	استفاده از اعتبارات تعاونی امیر کبیر	غیر موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	تحصیلات سرپرست خانوار (سال)
افزایش	<b>جهت تاثیر</b>		کاهش	<b>جهت تاثیر</b>	
موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	عضویت در تعاون روستایی زنان	موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	وضعیت شغلی سرپرست خانوار
کاهش	<b>جهت تاثیر</b>		کاهش	<b>جهت تاثیر</b>	
موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	استفاده از تعاونی مصرف زنان	غیر موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	اندازه زمین خانوار
کاهش	<b>جهت تاثیر</b>		افزایش	<b>جهت تاثیر</b>	
غیر موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	شرکت در کلاسهای آموزشی تعاونی زنان	موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	متغیر کاذب اول
کاهش	<b>جهت تاثیر</b>		کاهش	<b>جهت تاثیر</b>	
موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	استفاده از اعتبارات تعاونی زنان	غیر موثر	<b>نحوه تاثیر</b>	متغیر کاذب دوم
کاهش	<b>جهت تاثیر</b>		افزایش	<b>جهت تاثیر</b>	

ماخذ: یافته های تحقیق

جدول (۵) میزان رضایتمندی افراد منطقه از عملکرد تعاونی های روستایی امیرکبیر و زنان

میزان رضایتمندی (درصد)					فعالیت
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۴/۷۵	۴۵/۲۵	۳۸	۸/۲۵	۳/۷۵	عملکرد تعاون روستایی امیرکبیر
۳/۲۵	۳۹/۷۵	۴۱	۱۳/۵	۲/۵	تأثیر تعاونی امیرکبیر بر فعالیتهای اقتصادی
۴	۴۲/۲۵	۳۳/۲۵	۱۸	۲/۵	تمایل به همکاری با تعاونی امیرکبیر
۳/۷۵	۵۷/۷۵	۲۷/۷۵	۷/۷۵	۳	رضایت از فروشگاه تعاون مصرف تعاونی زنان
۸	۴۲/۷۵	۴۱/۵	۶/۵	۱	رضایت از ناوایی تعاون روستایی زنان
۳/۲۵	۴۳	۳۷/۲۵	۱۲	۴/۵	رضایت از کلاسهای آموزشی تعاونی زنان
۲/۲۵	۳۸/۵	۴۴/۷۵	۱۱/۵	۳	رضایت از نحوه پرداخت وام توسط تعاونی زنان
۲	۳۸/۵	۴۰	۱۶/۲۵	۳/۲۵	رضایت از میزان وام پرداختی توسط تعاونی زنان
۱/۲۵	۳۷/۵	۴۲/۷۵	۱۶/۷۵	۱/۷۵	رضایت از عملکرد تعاون روستایی زنان
۴	۴۴/۷۵	۳۷	۱۲/۲۵	۲	تمایل به همکاری با تعاونی زنان

ماخذ: داده بررسی

با توجه به بررسی نتایج بدست آمده می توان به بعد خانوار، نسبت وابستگی، نسبت افراد باسواد و دارای تحصیلات دانشگاهی، وضعیت شغلی و جنس سرپرست خانوار و مالکیت خانه مسکونی بعنوان مهمترین تعیین کننده های فقر اشاره کرد. علاوه بر اینها، عضویت در تعاونی های روستایی زنان و امیرکبیر، استفاده از اعتبارات و تسهیلات آنها مانند فروشگاههای مصرف از مهمترین تعیین کننده های نهادی فقر منطقه بوده اند که همگی در کاهش فقر روستاهای مورد نظر نقش موثری داشته اند.

### پیشنهادات

در بررسی های محلی نظر افراد محلی در رابطه با مشکلات این دو شرکت تعاونی و راهکارهای پیشنهادی آنها مورد تفحص قرار گرفت. در رابطه با تعاونی روستایی امیرکبیر اعتقاد اکثر افراد مصاحبه شونده بر آن بود که نداشتن ادوات کشاورزی، گران بودن و نامرغوب بودن و نداشتن تنوع اجناس فروشگاه تعاونی مصرف از

اصلی ترین مشکلات این تعاونی محسوب می شود. عدم پرداخت سود سهام و پس از آن کمبود بذر و کود، عدم تهیه بموقع آنها و عدم همکاری با مردم از مشکلات عملکردی این نهاد می باشد. تعداد کمی هم به وجود نداشتن تبلیغات مناسب از سوی این تعاونی اشاره داشته اند ضمن اینکه عده ای هم از عملکرد تعاونی ابراز رضایت کامل کرده اند.

درمقابل بحث تغییر سیستم تعاونی روتایی امیرکبیر، تغییر پرسنل و کارمندان بنحویکه فعالیت و همکاری بیشتری داشته باشند و افزایش فعالیتهای درآمد زا بعنوان اصلی ترین راهکارهای مطرح شده از سوی افراد محلی ذکر شده اند. سایر پیشنهادات مطرح شده در جهت افزایش تسهیلات اعتباری، خرید ادوات کشاورزی، تهیه اجناس به قیمت پایین تر و با مارکهای بهتر، تبلیغات و آشنا نمودن مردم با اصول تعاونی و پرداخت بموقع سود سهام بیان شده اند.

از سوی دیگر در رابطه با تعاونی روستایی زنان تفهیم مشکلات نسبتاً متفاوتی مطرح شده است. در این خصوص می توان به کوتاه بودن دوره بازپرداخت وامهای پرداختی توسط این تعاونی اشاره کرد که از دید هیات مدیره این تعاونی بعلت امکان پرداخت وام به همه اعضا در یک سال انجام می شود. که البته با اثر مثبت وامهای این تعاونی در کاهش احتمال فقر خانوارها بنظر می رسد تصمیم هیات مدیره تعاونی کمک بهتری به کاهش فقر منطقه خواهد داشت. کمبود کلاسهای آموزشی و عدم آشنایی مردم با فعالیتهای متمر ثمر شرکت از مشکلات دیگری بوده که توسط اعضا بیان شده است. تعدادی از اعضای این تعاونی بر این باورند که مردم محلی همکاری لازم را برای استمرار فعالیتهای این شرکت ندارند و علت عمده این عدم همکاری کمبود اطلاعات و فرهنگ تعاونی می باشد. لذا فرهنگ سازی فعالیتهای زنان بخصوص بشکل تعاونی در جلب حمایت ها و همکاری های محلی و بنابراین کمک به گسترش فعالیتهای تعاونی روستایی زنان موثر خواهد بود. کمبود کارمند کافی در قسمتهای مختلف این تعاونی از مسایل دیگر این تعاونی توسط مراجعین و اعضا تعاونی خوانده شده است. همچنین اعضای این تعاونی نیز مانند تعاون روستایی امیرکبیر از عدم پرداخت سود سهامشان توسط هیات مدیره شکایت دارند. اما در مجموع تعاون روستایی زنان توانسته است به بخشی از اهداف خود را در جهت کاهش فقر درآمدی و غیردرآمدی منطقه جامه عمل بپوشاند.

با توجه به بررسی های انجام شده، مصاحبه های صورت گرفته و نتایج بدست آمده می توان پیشنهادات زیر را جهت افزایش نقش موثر تعاونی های روستایی در کاهش فرصتهای از دست رفته مناطق روستایی با شرایط و پتانسیل های مشابه منطقه مورد مطالعه، ارائه داد:

-نتایج بدست آمده از بررسی تعیین کننده های فقر در این مطالعه نشان داد که بار تکفل از مهمترین عوامل فزاینده فقر در نمونه مورد مطالعه می باشد. اندازه خانوار، نسبت وابستگی و همچنین شاغل بودن سرپرست خانوار از مهمترین تعیین کننده های فقر بشمار می روند. بنابراین، هرگونه اقدامی در جهت کاهش

بیکاری و بار تکفل در منطقه می تواند تاثیر معنی داری بر کاهش میزان فقر داشته باشد. در این راستا فعالیتهای اشتغالزای شرکت تعاون روستایی زنان از جمله نانوايي، تولید دستمال کاغذی و تاکسی تلفنی به اندازه خود گام موثر در اشتغالزایی منطقه بوده است. هرگونه حمایتی از فعالیتهای اینچنین تعاونی قادر خواهد بود تا حدی به افزایش درآمد و کاهش فقر کمک نماید.

- پدیده دیگری که در این مطالعه بصورت کمی خود را آشکار ساخته است، این نکته می باشد که تعداد زیادی از خانوارهای فقیر، افراد و خانوارهایی هستند که از تحصیلات پایینی برخوردارند و یا بعضا جز افراد بیسواد هستند. بنابراین، میتوان نتیجه گرفت هر گونه اقدام در جهت گسترش آموزش های رسمی و غیررسمی در کاهش فقر کشور موثر خواهد بود. در این راستا می توان با ایجاد کلاسهای آموزشی حرفه ای و صنایع دستی برای زنان از سوی تعاون روستایی زنان و با سرمایه گذاری اندکی به افزایش تعداد افراد دارای درآمد در خانوارها کمک نمود و گام موثری در جهت فقر منطقه برداشت.

- همانطور که بررسی های حاضر نیز نشان داد در کل رضایت از عملکرد و تنوع فعالیتهای تعاون روستایی زنان بیش از تعاونی امیرکبیر بوده است. هرچند که جنس فعالیتهای این دو نهاد تا حدی متفاوت از یکدیگر است، اما بنظر می رسد حتی درمورد فروشگاه تعاونی مصرف که در هر دو تعاونی وجود دارد، رضایت از فروشگاه تعاون مصرف زنان بالاتر است و دلیل این برتری نیز توجه بیشتر اداره کنندگان این فروشگاه به نیازمندی و توجه بیشتر به نحوه تامین کالاها، تنوع آنها و کیفیت می باشد. لذا هر فعالیتی در جهت گسترش تنوع و بازاریابی بهتر از سوی نهادها می تواند دسترسی فیزیکی افراد منطقه را افزایش داده و لذا در جهت بالا بردن رفاه تاثیر بسزایی داشته باشد.

## فهرست منابع

- (۱) پژوهشگران، ج. (۱۳۷۵)، فقر، خط فقر و کاهش فقر، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مساله فقر و فقرزدایی، سازمان برنامه و بودجه.
- (۲) حکمتی فرید، ص. (۱۳۷۹)، برآورد خط فقر نر مناطق شهری استان تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه تهران
- (۳) خالدی، ک. (۱۳۷۹)، بررسی اقتصادی فقر روستایی و عوامل موثر بر آن در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- (۴) خداداد کاشی، ف. و همکاران (۱۳۸۱)، اندازه گیری شاخصهای فقر در ایران: کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر و شاخص فقر، پژوهشکده آمار، تهران.

۵) دینی ترکمانی، ع. (۱۳۷۵)، بررسی وضعیت فقر غذایی در ایران: تحلیل و بررسی اقتصادی فقر، تهران.

۶) سلامی ح. و م. خالدی (۱۳۸۰)، "تاثیر فناوری مبارزه بیولوژیکی با آفت کرم ساقه خوار برنج بر استفاده از آفتکشها مطالعه موردی: استان مازندران"، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۳: ۲۴۷-۲۶۸

۷) صمدی، س. (۱۳۷۸)، کاهش فقر: کارایی و برابری در ایران، پایان نامه دوره دکتری دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران.

۸) مهریار، الف (۱۳۷۳). "فقر: تعریف و اندازه گیری آن". برنامه و توسعه، شماره ۸. مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه. دانشگاه صنعتی اصفهان.

- 9) Anand, S. and Harris, C. (1994), "Issues in the measurement of undernutrition. In S. Osmani", (ed), Nutrition and poverty. Oxford University press.
- 10) Ahmed Faizuddin (2001), "Practices of Poverty Measurement and Poverty Profile of Bangladesh", Asian Development Bank, ERD Working Paper No. 54
- 11) Asra Abuzar and Vivian Santos-Francisco (2001), "Poverty Line: Eight Countries. Experiences and the Issue of Specificity and Consistency", delivered at the Asia and Pacific Forum on Poverty: Reforming Policies and Institutions for Poverty Reduction, to be held at the Asian Development Bank, Manila
- 12) Bigsten A. and A. Shimeles (2004). "Dynamics of poverty in Ethiopia", United Nations University, World Institute for Development Economics Research, Research paper No. 2004/39
- 13) Bigston A. , B. Kebede, A. Shimeles and M. Tadesse (2002), "Growth and poverty reduction in Ethiopia: Evidence from household panel surveys", Department of Economics, Goteborg university, Working paper in Economics No. 65
- 14) Chirwa E. W. (2005), "Microeconomic policies and poverty reduction in Malawi: Can we infer from panel data", Global Development Network(GDN), research report.
- 15) Dercon, S. and Krishnan, P. (1998), "Changes in poverty in rural Ethiopia 1989-1995: Measurement, robustness tests and decomposition". *Working Paper Series*, 98:7, Centre for the Study of African Economies (CSAE), Oxford University.
- 16) Duclos, J.Y., A. Araar. (2005), "poverty and equity: measurement, policy and estimation with DAD". De'partment d'economique, Universite' Laval, Quebec, Canada
- 17) Duclos, J.Y., A. Araar and C. Fortin (2002), "DAD: Distributive Alalysis / Analyse Distributive user's manual". De'partment d'economique, Universite' Laval, Quebec, Canada
- 18) Foster J. E., J. Greer and E. Thorbecke (1984), "A class of decomposable poverty measures", *Econometrica*, 52: 761-776.
- 19) Greene, W., (2000), "Econometrics Analysis", 4<sup>th</sup> ed., prentice Hall, Englewood Cliffs.
- 20) Greer, J. and E. Thorbecke. (1986), "A methodology for measuring food poverty applied to Kenya". *Journal of Development Economics*, vol. 24: 59-74.
- 21) Grootaert, C. (1997), "The determinants of poverty in Côte d'Ivoire in the 1980s". *Journal of African Economies*, vol. 6, no. 2: 169-96.

- 22) Hagos F. and S. Holden. "Rural household poverty dynamics in northern Ethiopia 1997-2000, Analysis of determinants of poverty", Department of Economics and Social Sciences, Norway
- 23) Hill, P. (1982), "Causes of general poverty in Hausaland (1972)". In A. Chris, ed., *Sociology of Developing Societies, Sub-Saharan Africa*. London: Macmillan Press Ltd.
- 24) Madzingira, N. (1997), "Poverty and aging in Zimbabwe". *Journal of Social Development in Africa*, vol. 12, no. 2: 5-19.
- 25) Minot N. and B. Baulch (2002), "The spatial distribution of poverty in Vietnam and the potential for targeting", International Food Policy Research Institute, Discussion paper No. 42
- 26) Minot N. (1998), "Generating disaggregated poverty maps: an application to Vietnam", International Food Policy Research Institute, Discussion paper No. 25
- 27) North, D. 1991. "Institutions," *Journal of Economic Perspectives*, 5(1):97-112.
- 28) Okurut F. N., Odwee J.J.A.O. and Adebua A. (2002), "Determinants of regional poverty in Uganda", African Economic Research Consortium (AERC) Research Paper 122
- 29) Sahn, D., E. Dorosh and S. Younger. (1996), "Exchange rate, fiscal and agricultural policies in Africa: Does adjustment hurt the poor?" *World Development*, vol. 24, no.4: 719-47.

### **Institutional Determinants of Rural Poverty in Fars Province: Case Study of Women's Rural Cooperative**

Ashan Shooshtarian

#### **Abstract**

Poverty may be evaluated as two main aspects: income poverty and non income poverty. Cooperative associations are one of the most important rural institutions that affect on the decreasing or increasing opportunities. This research has investigated poverty determinants focusing on cooperative association in Tafihan and Esmail Abad, Fars provienc. For this purpose, poor and nonpoor households were determined using an estimated regional poverty line. Then, effective determinants on the likelihood of being in poverty for households were investigated, applying a probit model. Institution determinants such as membership in Cooperative associations, their credits and facilities were studied in addition to other determinants. The results indicated that cooperative's membership decreases the likelihood of

being poor of households. Also, households with at least a member in women's rural cooperative would be poor with lower probability than who don't have any members in this institution. So, establishing and improvement of these kinds of institutions could be effective in poverty alleviation in other regions with the same potential of socio economic conditions in development.

**Keywords:** Rural poverty, women rural cooperative association, poverty determinants, Fars province